

توسعه جامعه روستایی: مالکیت و کارکرد

اشاره

این مقاله از این جهت مورد توجه است که اثرات اقتصادی دو رویکرد متضاد بر توسعه اقتصادی جوامع روستایی را مورد بررسی قرار می‌دهد. ضمن آنکه با تأکید بر تفاوت بین شیوه‌های سرمایه‌داری و تعاونی، گالور (نویسنده)، اثرات این تئوری‌ها را در موفقیت جوامع مختلف، بررسی می‌نماید. این مقاله، همچنین موضوعات متنوعی از قبیل، سود و مازاد برگشتی، انواع مختلف بودجه‌ریزی و استفاده‌های متفاوت از ذخایر قانونی غیرقابل تقسیم را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. علاوه بر این، مثال‌هایی از جوامع روستایی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز ارائه می‌گردد.

مقدمه

در جوامع روستایی، اکثر ساکنین به کشاورزی اشتغال دارند. شیوه کشت، تولید و حمل و نقل، سنتی می‌باشد و بهره‌وری بسیار پایین و بیکاری پنهان، از ویژگی‌های این گونه جوامع است. هدف اغلب طرح‌های توسعه‌ای در مناطق روستایی سراسر جهان، بهبود وضعیت کشاورزی در کلیه جوانب آن، به منظور ایجاد زندگی بهتر برای ساکنین این مناطق می‌باشد. هدف برخی از این طرح‌ها، ایجاد جوامع روستایی است که در اغلب موارد با شکست مواجه شده‌اند. دلایل این امر، ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرند:

برخی مباحث مهم در این گونه تعاونی‌ها

در ابتدا، لازم است که ارتباط بین فرد (عضو) و آن شرکت تعاونی که او می‌خواهد بدان پیوندد را تعریف کنیم. اعضا، زمانی عضو تعاونی می‌شوند که دریابند به تنهایی به اهداف خود نایل نمی‌شوند. یک شرکت تعاونی، در جستجوی تحقق درآمد اضافی یا کسب سود نمی‌باشد؛ بلکه درصدد ارائه محصول و خدمات به اعضای خود با نازل‌ترین قیمت است.

ما در این مقاله، بر مدل تعاونی‌های روستایی تأکید می‌کنیم. این نوع از تعاونی‌ها، اساساً مبتنی بر گروه‌هایی متشکل از اعضای کشاورز و تولیدکنندگان می‌باشند. به طور کلی، آنها بر زمین‌هایی

● نویسنده: ژاوی گالور*

● مترجم: اصغر بیات

زندگی می‌کنند که ممکن است در مالکیت آنها باشد و یا از دولت اجاره کرده باشند. این اعضا/کشاورزان به کشاورزی بر روی زمین می‌پردازند و از این راه، گذران زندگی می‌کنند. اما زمانی که آنها به تشکیل تعاونی‌ها (معمولاً تعاونی‌های چندمنظوره) مبادرت می‌نمایند، با مشکلات متعددی روبرو می‌شوند.

ارزش اضافی

تلاش‌ها مبنی بر شناسایی راه‌های ایجاد (ثبت رسمی) زمین‌هایی است که لزوماً خصوصی و متعلق به شخص نباشند، بلکه به طریق جمعی اداره شوند. این ایده‌آل خواهد بود که از طریق چنین سیستمی، افراد ارزش اضافی ایجاد کنند و هرگاه ارزش زمین یا خانه آنها به هر دلیل افزایش یافت، بتوانند این ارزش اضافی را قرض گرفته و کسب و کار جدیدی آغاز نمایند و یا زمین و خانه را بفروشند و نقل مکان کنند.

ارزش اضافی، یک اصطلاح مارکسیستی است که به وسیله سرمایه‌داری تغییر شکل یافت تا به عنوان ارزشی نمادین که به اوراق حق مالکیت فردی که به تولید و فروش کالا و دارایی‌های مادی می‌پردازد، ارزش مضاعفی اعطا کند، این ارزش اضافی، دارای تغییر قیمتی است که مبنی بر چگونگی نگاه بازار (مالی) به دارایی‌های ویژه و ظرفیت تولیدی آنها می‌باشد.

تعاونی و بنگاه اقتصادی سرمایه‌داری

مایلم که بر تمایز اساسی مفهوم تعاونی و بنگاه اقتصادی سرمایه‌داری، تأکید نمایم. این تفسیر به ما کمک خواهد کرد

سرمایه‌گذاری اش در تعاونی. تعاونی‌ها هرگز سود سهام توزیع نمی‌کنند و این ادعا (که سود سهام توزیع می‌شود) یکی از خطرناک‌ترین اشتباهات اتحادیه بین‌المللی تعاون و اتحادیه جهانی تعاونی‌های اعتبار می‌باشد.

ویژگی‌های بودجه تعاونی

یکی دیگر از تفاوت‌های مهم (نگاه سرمایه‌داری و تعاونی)، تفاوت آنها در بودجه است. بودجه شرکت تعاونی با بودجه یک بنگاه اقتصادی سرمایه‌داری تفاوت دارد؛ با توجه به این واقعیت که این بودجه از دو قسمت جداگانه تشکیل می‌گردد:

الف - بودجه دارایی‌های ثابت

ب - هزینه‌های عملیاتی

این دو بخش بودجه، در شرکت تعاونی کاملاً جداگانه به حساب می‌آیند؛ به شرحی که ذیلاً به آن اشاره می‌شود:

الف - بودجه دارایی‌های ثابت شرکت تعاونی توسط کلیه اعضای تعاونی بر مبنای سهم برابر (به صورت نقدی یا قسط‌بندی بر اساس قرارداد عضو با تعاونی) تامین می‌شود و هر عضو متعهد است که تمام ارزش سهم را به تعاونی بپردازد و هر عضو تنها یک سهم دارد. لذا تعداد سهام شرکت تعاونی با تعداد اعضای آن برابر است. قوانین و مقررات نمی‌توانند ارزش یک سهم را تعیین نمایند. ارزش سهم یک عضو، برابر است با ارزش کل دارایی‌های ثابت تعاونی تقسیم بر تعداد اعضای تعاونی. ارزش سرمایه سهام همیشه بر اساس ضوابط واقعی و عموماً توسط ارزش بازاری تعیین می‌شود یعنی جایی که ارزش آنها می‌تواند کاهش یا افزایش یابد. اشتباه بسیاری از تعاونی‌ها در بسیاری از کشورها این است که ارزش سپرده‌های بلندمدت اعضا در تعاونی‌ها را به عنوان سرمایه سهام آنها در نظر می‌گیرند. در تعاونی‌های ایالات متحده؛ همانند سایر قسمتهای جهان، اعضا از آن رو چیزی را سهام می‌نامند که به معنی واقعی سپرده‌های مالی بلندمدت می‌باشند و تعاونی خارج از آنها به اعطای اعتبارات مالی می‌پردازد، مالکان تعاونی محسوب نمی‌شوند. این «سهام» هیچ ربطی به ارزش کلی دارایی‌های ثابت تعاونی‌ها ندارند و اعضا، مالکان تعاونی‌هایشان نمی‌باشند.

به عقیده من، سرمایه سهام تعاونی‌ها نمی‌تواند به عنوان پاداش (اعم از بهره یا سود سهام) پرداخت شوند. زیرا این روش پاداش، جایزه به اعضای است که در تعاونی مشارکت ندارند. بحث کامل‌تر در این زمینه را ذیلاً ملاحظه خواهید نمود.

بخش دوم بودجه تعاونی‌ها که شامل کلیه هزینه‌های عملیاتی می‌شود. این بودجه به وسیله کلیه اعضا و به طور نامساوی و بر اساس مشارکت هر عضو در تعاونی تامین می‌گردد.

هر تعاونی نیازمند بکارگیری فرمول ساده زیر برای این عملکرد خود است:

جمع کل ارزش خرید مواد خام + ارزش کل هزینه‌های عملیاتی تعاونی که باید انجام پذیرند + مقدار بسیار کمی ذخیره

تفاوت بین ارزش اضافی جهان سرمایه‌داری و دنیای تعاونی را درک نمایم.

در بنگاه‌های سرمایه‌داری، سود (که بسیاری از صاحب‌نظران به اشتباه آن را مازاد (برگشتی) در تعاونی می‌نامند) از تفاوت بین درآمد کل و هزینه کل، ناشی می‌شود.

در شرکت تعاونی، این مازاد (برگشتی) از تفاوت بین درآمد و هزینه کل تعاونی به اضافه پاداش‌هایی که به اعضا به دلیل مشارکت آنها اعطا می‌شود، ناشی می‌گردد. یک فرمول بسیار ساده.

در حالی که بنگاه سرمایه‌داری به دنبال کسب حداکثر سود است، بنگاه اقتصادی تعاونی، درصدی به حداقل رساندن مازاد (سود) می‌باشد، شرکت تعاونی تلاش می‌نماید بهترین خدمات را با کمترین قیمت به اعضا ارائه کند تا بدین ترتیب، حتی‌الامکان پاداشی به اعضای خود بابت مشارکت آنها در تعاونی (انجام معامله اقتصادی با تعاونی یا مشارکت اقتصادی) بپردازد.

در نتیجه؛ بهترین شرکت تعاونی، شرکتی است که سال مالی را با مازاد صفر به پایان برساند! این امر، نتایج خالص فعالیت مالی را به اعضا بازمی‌گرداند.

تفاوت مهم‌تر؛ شیوه‌ای است که توسط آن، سود و مازاد برگشتی توزیع می‌شود. بنگاه سرمایه‌داری، سود را به نسبت سهام مالکیت به مالکان، از جمله مبلغی از سرمایه که هر کدام در شرکت سرمایه‌گذاری کرده‌اند، توزیع می‌کند. این نوع تقسیم سود بین سرمایه‌گذاران، غیر از سودی است که به مبلغ سرمایه سهام هر فرد تعلق می‌گیرد و به آن سود سهام می‌گویند. یک سرمایه‌گذار ممکن است تمام روز را حمام آفتاب گرفته باشد، اما باز هم سود خود را به نسبت سرمایه دریافت نماید.

مازاد برگشتی در شرکت تعاونی، چیست؟

مازاد برگشتی، سود محسوب نمی‌شود و هرگز نباید آن را چنین تصور نمود. به جای آن، مازاد برگشتی بخشی از پرداخت موقت اعضا به تعاونی، به دلیل خدماتی است که تعاونی ارائه می‌کند. این، یک مبلغ موقتی است که عضو برای خرید کالا از تعاونی پرداخت می‌کند. مازاد، برگشتی، زمانی تحقق می‌یابد که شرکت تعاونی، کلیه هزینه‌های عملیاتی خود را در یک دوره زمانی مشخص (یک ماه یا یک سال)، تامین کرده باشد. در این صورت وضعیتی که از تفاوت بین درآمد کل و هزینه کل، پدیدار می‌شود را مازاد برگشتی می‌نامند. این مازاد، در شرکت تعاونی باید به حداقل ممکن برسد، زیرا فرض بر این است که شرکت تعاونی بهترین خدمات را با پایین‌ترین قیمت ممکن، به اعضا ارائه می‌دهد.

شرکت تعاونی، مازاد برگشتی متعلق به اعضا را بر اساس مشارکت هر یک از آنها در فعالیت‌های تعاونی، تقسیم می‌نماید. هر عضو که مشارکت بیشتری داشته است، سهم بیشتری از مازاد برگشتی احتمالی را نصیب خود می‌نماید؛ بدون توجه به میزان

ارزش واقعی و ارزش دفتری

دارایی ثابت دارای ارزشی است که توسط بازار تعیین می‌شود و تابع نوسانات قیمت در بازار خواهد بود. دارایی‌های ثابت، دارای ارزش دفتری نیز می‌باشند و ارزش دفتری با ارزش واقعی بازار سر و کار ندارد. یک شرکت تعاونی، ممکن است دارای داشته باشد که ارزش دفتری آن صفر می‌باشد؛ اما با این وجود، هنوز در بازار دارای ارزش است و گاهی اوقات، دارای ارزش بسیار زیاد، گاهی وقتها ارزش دفتری دارایی، قابل ملاحظه است، اما ارزش آن در بازار در حد صفر است، مانند برخی بنگاه‌های اقتصادی در جمهوری شوروی سابق.

«استهلاک» اصطلاحی است که در هر دو مورد به کار می‌رود، و در بسیاری موارد؛ مردم، رهبران تعاونی‌ها و همچنین اعضای معمولی تعاونی‌ها، معنی این دو اصطلاح را با هم به اشتباه می‌گیرند. استهلاک، یک مورد از بحث درباره ارزش واقعی دارایی‌های ثابت است که در بسیاری موارد، مسؤولین مالیات بر درآمد نمی‌توانند اقدامی در مورد آن به عمل آورند. درخصوص ارزش دفتری، استهلاک با موضوع مالیات بر درآمد ارتباط پیدا می‌کند. این به صرفه و صلاح اعضای تعاونی است که حسابدار شرکت

احتیاطی = قیمت فروش خدماتی که تعاونی ارائه می‌دهد. با توجه به این فرمول منطقی و دانستن این نکته که اعضا زمانی عضو یک تعاونی می‌شوند که می‌دانند به تنهایی قادر به تامین آنچه می‌خواهند، نیستند. این نکته را متوجه خواهیم شد که یک شرکت تعاونی به دنبال کسب سود یا مازاد برگشتی نمی‌باشد، بلکه درصدد ارائه خدمات یا کالا با حداقل قیمت ممکن است.

تعاونی‌های روستایی می‌توانند به عنوان راه‌حلی

مناسب برای توسعه روستایی محسوب شوند.

در این گونه تعاونی‌ها، تولید فردی را باید کنار

گذاشت. تجارب نشان می‌دهند که کوشش‌های

جمعی برای تولید، بسیار موثرتر از تولید

انفرادی است.

تعاونی‌های روستایی باید تعاونی‌های واقعی

باشند؛ یعنی تعاونی‌هایی متعلق به اعضا که

به بهترین وجه و با کمترین هزینه به آنها

ارائه خدمت نمایند.

در شرکت تعاونی مصرف، یک عضو در وهله اول می‌خواهد مواد مصرفی خانوار را با حداقل هزینه ممکن تامین نماید. او به دنبال مازاد برگشتی نیست که تنها در پایان سال توزیع یا تقسیم می‌شود و با توجه به میزان تورم، ارزش آن کاهش می‌یابد. در یک تعاونی بازاریابی، عضو به دنبال آن است که تعاونی بیشترین سود را از محصولات فروخته شده بدست آورد و کمترین هزینه را متحمل شود تا حداکثر سود را به او بازگرداند.

ارزش تعاونی

موضوع مورد بررسی در این مقاله، ارزشهای کلی تعاونی و

ارزش ویژه سهم کشاورز - عضو در تعاونی می‌باشد.

ارزش دفتری، یک شاخص عمومی برای تعیین ارزش تعاونی‌ها در سرتاسر جهان می‌باشد. ارزش سهم هر عضو، به همان مقدار ارزش اصلی (اولیه) آن در دفاتر تعاونی ثبت می‌شود و این مسأله‌ای غامض و پیچیده است، تونی پیل در این مورد، می‌گوید:

«اگر یک شرکت تعاونی گندم می‌فروخته است و ناگهان ارزش آن تا حد زیادی افزایش یابد، ارزش دارایی‌ها افزایش می‌یابد و بیش از ارزش دفتری می‌شود و در نتیجه، ارزش هر سهم به نحو قابل ملاحظه‌ای، بیش از ارزش دفتری خواهد شد. اما علی‌رغم آن، تعاونی سهام را به ارزش دفتری می‌فروشد و اعضا را از ثمره کار و تلاش آنها محروم می‌سازد!

استهلاک دارایی‌های عضو یا دارایی‌های تعاونی (که با توجه به رویکرد من به تعاونی، به اعضا تعلق دارد) را محاسبه نموده و مالیات را از باقی مانده دارایی کسر می‌نماید.

فروش سهام تعاونی به ارزش اولیه (ارزش اسمی)، یک اشتباه است. این رویکرد اتحادیه بین‌المللی تعاون است که من با آن مخالفم. در یک تعاونی واقعی، سهم عضو با توجه به ارزش واقعی آن (ارزش بازار) محاسبه می‌شود.

تا آنجا که من از وضعیت تعاونی‌های بزرگ در اغلب کشورها خبر دارم، این نوع تعاونی‌ها به اعضا تعلق ندارند. در عمل و با توجه به اصول اتحادیه بین‌المللی تعاون و مقررات تعاونی در اکثر کشورهای جهان، تعاونی‌ها به اعضا تعلق ندارند.

مشارکت ۱۰ برابر داشته است، به اندازه عضو «ب» مالک دارایی‌ها محسوب می‌شود. این یک بی‌عدالتی آشکار است. چرا عضو «الف» باید مالکیت بر دارایی‌های شرکت توسط عضو «ب» را تامین مالی نماید؟

تنها راه مناسب برای ایجاد دارایی‌های ثابت این است که کلیه اعضای تعاونی به طور مساوی در تشکیل آن، سرمایه‌گذاری نمایند.

فردگرایی، تعاونی و اجتماع

نکته قابل توجه در مورد مسؤلیت فردی در مقابل اجتماع این است که چگونه یک نفر می‌تواند همه را به طور مساوی به کار موثر تشویق نماید؟ آیا دلیلی وجود دارد که یک نفر به سختی کار کند و همان مقدار دستمزد یا پاداش بگیرد که دیگری برای کتاب خواندن در تمام مدت روز، می‌گیرد؟ چه کسی هنجارها و اسناداردهای کار را تعیین و دیگران را به رعایت آنها وادار می‌نماید؟ به هنگام تقسیم عایدات شرکت تعاونی به طور مساوی، آیا مهم نیست که یک نفر کمتر و دیگری بیشتر کار کرده است؟ در یک دنیای کامل و بی‌عیب با مردمی کامل و بی‌عیب، این شیوه می‌تواند کاربرد داشته باشد.

کار با همدیگر

این یک موضوع مهم است که قبلاً «بوجز» و «بلنک» در نیمه اول قرن نوزدهم آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. شرکت تعاونی، ممکن است اعضای داشته باشد که به طور فردی به تولید می‌پردازند و دارای کارکردهای ضروری دیگری مانند اعتبار و پس‌انداز، فراهم آوردن نهاده‌ها، بازاربایی و نظایر آن نیز می‌باشند. پاداش یا جبران خدمت یک عضو، بر مبنای میزان تولیدی است که وی از طریق تعاونی به بازار عرضه می‌نماید. تعاونی‌هایی وجود دارند که اعضای آنها از طریق کار با همدیگر و تولید (مشترک) فعالیت می‌نمایند و شرکت تعاونی، نتیجه کار را بر اساس یک اصل بسیار اساسی یعنی، «مشارکت» توزیع می‌کند. هر چه عضو، مشارکت بیشتری در تولید داشته باشد، از منافع مالی آن بیشتر بهره‌مند می‌شود. این «مشارکت» را می‌توان به شیوه‌های مختلف نظیر: ساعات کار، اسناداردهای بهره‌وری، مسؤلیت‌پذیری، مهارت‌ها و نظایر آن ارزیابی نمود.

خلاصه و نتیجه‌گیری

تعاونی‌های روستایی می‌توانند به عنوان راه حلی مناسب برای توسعه روستایی محسوب شوند.

در این گونه تعاونی‌ها، تولید فردی را باید کنار گذاشت. تجارب نشان می‌دهند که کوشش‌های جمعی برای تولید، بسیار موثرتر از تولید انفرادی است.

تعاونی‌های روستایی باید تعاونی‌های واقعی باشند؛ یعنی تعاونی‌هایی متعلق به اعضا که به بهترین وجه و با کمترین هزینه به آنها ارائه خدمت نمایند.

همهٔ بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌داری، دارایی‌هایی دارند. این دارایی‌ها دارای ارزش بازاری است که ممکن است در دفاتر ثبت شوند، اما با هدف مالیات بردرآمد؛ ارزش این دارایی‌ها ارزشی است که قانون به شما اجازه می‌دهد تخفیف مالیاتی آن را در نظر بگیرید. ارزش دفتری، هیچ ارتباطی با ارزش واقعی دارایی‌ها ندارد.

ذخیره (قانونی)

یکی از مباحثی که بسیاری از دانش‌پژوهان در مورد ذخایر قانونی در تعاونی‌ها مطرح می‌نمایند، این است که «... ایجاد ذخیره قانونی معاف از مالیات...» در جهان در حال توسعه، وجود واقعی ندارد. ذخیره قانونی در اکثر تعاونی‌های کشورهای در حال توسعه، در دفاتر وجود دارند. در مورد ذخیره قانونی تعاونی‌ها این سؤال‌ها به ذهن خطور می‌کنند:

تعاونی‌ها این پول را می‌خواهند کجا نگهداری نمایند؟ تجربه نشان داده است که در اغلب کشورها، تعاونی‌ها این وجوه را به بانک می‌سپارند. در اغلب موارد، نرخ سودی که بانک به این سپرده‌ها می‌پردازد، کمتر از نرخ تورم است و این به معنی کاهش تدریجی ارزش واقعی پول است.

یک شرکت تعاونی، تمایل به خرید دارایی جدید دارد؛ اما پول موردنیاز برای خرید آن به بانک سپرده شده و تورم، ارزش واقعی آن را می‌بلعد در خلال سالها، تعاونی پول اعضا را کاهش داده و سرمایه موردنیاز برای بازسازی یا خرید دارایی ثابت، ارزش واقعی خود را از دست داده است. و این، روش موثری برای گرفتن پول خوب و تبدیل آن به پول بد است.

ذخیره قانونی، یکی از دلایل شکست بسیاری از تعاونی‌ها در جهان در حال توسعه است. به نظر من، تعاونی و اعضای آن، یکی هستند. وقتی شرکت تعاونی نیاز به سرمایه‌گذاری برای خرید دارایی‌های ثابت دارد؛ اعضا تنها افرادی هستند که مسؤول تامین آن می‌باشند و آن را باید از طریق پرداخت نقدی یا پرداخت اعتباری از طرف تعاونی، تأدیه نمایند.

سرمایه‌گذاری آتی در دارایی‌های ثابت

تجربه تعاونی‌های جهان حاکی از آن است که بخشی از درآمد نهایی یا درآمد خالص تعاونی‌ها برای سرمایه‌گذاری‌های آتی، کنار گذاشته می‌شود. اگر شرکت تعاونی به طور مساوی به همه اعضا تعلق دارد، پس کلیه اعضا باید سهم مساوی در تامین وجوه این سرمایه‌گذاری داشته باشند.

هنگامی که پول موردنیاز برای سرمایه‌گذاری آتی، از درآمد اعضا کسر می‌شود؛ یک مشکل بروز می‌نماید. این وجوه؛ خارج از سود سهام یا درآمد شرکت تعاونی شکل می‌گیرند یا جمع‌آوری می‌شوند. به عنوان مثال، عضو «الف» ۱۰ برابر عضو «ب» در فعالیت‌های تجاری شرکت تعاونی مشارکت می‌نماید. همچنین، عضو «الف» در تشکیل وجوه، ۱۰ برابر بیشتر از عضو «ب» همکاری داشته است. با اینکه عضو «الف» در تشکیل این دارایی،